



## حجاب، دغدغه‌ها و تردیدها

احمد ترابی

حجاب و پوشش زنان یکی از احکام شناخته شده و تردید ناپذیر اسلامی است که اصل آن مورد وفاق همه مذاهب اسلامی می‌باشد و در عصر حاضر، حجاب زنان از نگاه ملت‌های مختلف، یکی از مشخصه‌ها و نمادهای زن مسلمان شناخته می‌شود.

اگر اقامه نماز و یا حرمت شراب، در شمار ضروریات دین اسلام قرار دارد، حجاب زن نیز در همان سطح و اندازه به شمار می‌آید.

البته موضوع حجاب و پوشش ویژه زنان، اختصاص به آیین اسلام نداشته و ندارد، بلکه پوشش خاص زنان، در همه آیین‌های آسمانی مانند مسیحیت و یهودیت نیز مطرح بوده است؛ چنانکه در آیین زرتشتیان حجاب وجود داشته و هم اکنون نیز در میان زنان سنتی که بر آیین پیشینیان زندگی می‌کنند و از فرهنگ مسلط زمان رنگ نگرفته‌اند، همچنان پوششی نزدیک به حجاب اسلامی رعایت می‌شود.

آثار باقی مانده از ملتها و اقوام پیشین در آیین‌ها و فرهنگ‌های مختلف، حکایت از آن دارد که زنان معمولاً پوشیده‌تر از مردان بوده‌اند. تصاویر حضرت مریم در نقاشی‌های کهن‌تر مسیحیان یا پوشش زنان راهبه که به تبعیت از حضرت مریم، خود را وقف مسایل معنوی و خدمت به بندگان خدا کرده‌اند، دقیقاً معیارهای حجاب رایج در میان مسلمانان را دارد و از نظر معیارهای قرآنی و روایی، حجابی کامل به حساب می‌آید.

در آیین یهود نیز حجاب مطرح بوده و در میان خانواده‌های مذهبی‌تر و سنتی‌تر آنان، هنوز موضوع حجاب زنان مورد توجه است.

این واقعیت نشان می‌دهد که اصل حجاب زنان، پدیده‌ای جغرافیایی، تاریخمند و نشأت گرفته از شرایط آب و هوایی خاستگاه اسلام، یا علاقه شخصی پیامبر(ص) و مردم یا شرایط خاص مردم جزیره العرب نبوده است.

بلکه دیدگاه اسلام در تأیید آموزه‌های ادیان آسمانی قبل از خود است. «مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ» (مانده ۴۸/)

با این همه روند زندگی اجتماعی و فرهنگ و اقتضائات و مناسبات عصر مدرنیته در دو، سه قرن اخیر - و به ویژه قرن حاضر - باعث شده تا بسیاری از زنان یهودی، مسیحی و زرتشتی نه تنها از حجاب زنانه خود بکاهند، و به دلایل مختلف، به خود آرایی و برهنگی، فراتر از آنچه مردان همان جامعه انجام می دهند رو آوردند.

تا آنجا که بسیاری از زنان در این آئین ها، اکنون حجاب و پوشش خاص زنان را، ضرورتی دینی یا حکم آسمانی نمی شناسند و آن را متأثر از آداب و رسوم ملی و محیطی پیشینیان خود تلقی می کنند! و ارزشی برای آن قائل نشده، اثرسازنده و ثمربخشی را برآن مترتب نمی بینند.

بلکه به عکس، آن را نشانه عقب ماندگی اجداد خود و یا سلطه و زورگویی مردان در جوامع پدرسالار و مرد سالار تلقی می کنند.

ماهیت رو به گسترش تجدد، هماهنگی آن با تمایلات و علاقه های غریزی، همپایی برهنگی و جلوه گری زنان با عوامل متعدد، اقتصادی، صنعتی، تبلیغی و اجتماعی و سیاسی در کشورهای اروپایی، سبب شد تا بخشی از زنان در کشورهای اسلامی نیز به تبعیت و تقلید از فرهنگ مسلط جهانی، علی رغم صراحت، و قطعیت ضرورت حجاب آن را کنار نهاده و یا به تدریج از آن بکاهند و در مواردی هم گوی سبقت را در برهنگی و جلوه گری از زنان اروپایی برابند!

ولی با این همه، بسیاری از زنان مسلمان، همچنان بر اصل حجاب استوارند و بدان معتقدند و آن را یک ضرورت و ارزش می شمارند و حتی آنان که گام از دایره حجاب بیرون نهاده اند ولی خود را مسلمان می دانند، بر این باورند که به هر حال حجاب امری دینی و معنوی است و دستکم به هنگام نماز و عبادت حجاب را لازم می دانند.



حیات درونی آیین اسلام در مقایسه با آموزه‌ها، احکام و آداب مسیحیت و یهودیت، سبب شده است تا حجاب، همانند نماز همچنان به عنوان نمادی اسلامی در میان ملت‌های مختلف شناخته شود.

چه بسا دوام و پایداری حجاب در میان جوامع اسلامی در مقایسه با سایر جوامع نمودی از مهیمن بودن آموزه‌های قرآن بر سایر کتابهای آسمانی باشد که فرمود: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَآخِذُوا بِهِ» (مائده ۴۸)

یعنی گرچه اصل حجاب، ره آورد پیامبر خاتم (ص) نیست و اسلام در این قانون، امضاکننده آموزه‌های ادیان آسمانی پیشین است، اما هم در نوع نگاه به حجاب و ارائه الگوها و ضوابط و شرایط آن، و هم در سطح پایداری و دوام، بر سایر آموزه‌ها و قوانین برتری دارد. به هر حال ۱- صراحت قرآن در امر حجاب ۲- تأکید سنت پیامبر (ص) و عترت (ع) بر آن ۳- پایبندی نظری و عملی اکثریت قاطع اسلام باوران به حجاب ۴- استواری بسیاری از زنان مسلمان بر این اصل، سبب شده است تا موضوع حجاب از جوانب مختلف و با انگیزه‌های گوناگون و شیوه‌های متفاوت مورد نقد و ایراد از سوی غیرمسلمانها و یا اساساً دین ناباوران قرار بگیرد! البته تردید در ضرورت حجاب به قلمرو محافل دینی- اسلامی نیز رخنه کرده است و در میان گروهی از روشنفکران دینی- که به هر حال منکر اصل دیانت نیستند- این ذهنیت شکل گرفته است که حجاب رایج در جوامع اسلامی، توصیه قرآن و پیامبر (ص) نبوده است. در میان طبقه‌ای که اصطلاحاً روشنفکران جامعه اسلامی نامیده می‌شوند، تشکیک در ضرورت حجاب به دو گونه بروز داشته و دارد.

یک. بعضی رسماً ضرورت دینی حجاب را انکار کرده و برای اثبات نظریه خود به دلایل تاریخی و روایی و یا حتی قرآنی تمسک کرده‌اند- که برخی از آن دیدگاهها در مقالات این شماره از این نشریه مطرح شده و مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است-

دو. گروه دیگری که اکثریت این جمع را شکل می‌دهند، نه در مباحث استدلالی که در شیوه عمل و زندگی خود، موضوع حجاب را قابل چشم پوشی

شمرده اند؛ چنانکه زنان و دختران و خانواده آنان، پابندی چندانی به مسأله حجاب از خود نشان نمی دهند. و یا از میان آموزه های دینی به تأیید و توضیح جنبه های اجتماعی، اخلاقی و عرفانی دین بسنده کرده اند و موضوع حجاب را به عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار نداده اند! و تأکید بر رعایت آن را- از سوی حکومت دینی- لازم نشمرده اند.

### زمینه های تردید در ضرورت حجاب

چنان که گفته شد، تردید در ضرورت حجاب، دارای زمینه ها، ذهنیت ها و انگیزه های متفاوتی بوده و است ولی آن ها را می توان در یک جهت، مشترک و همراه دید و آن این است که به هر حال، حتی کسانی که در عمق جانشان دغدغه منافع مادی و جسمانی را دارند، به هنگام انتقاد از حجاب، بیشتر به جنبه های حقوقی- انسانی تکیه می کنند و از آن جهت حجاب را نفی می کنند که جلوی منافع طبیعی زنان را گرفته و یا زیان ها و محدودیتهایی را برای آنان به وجود آورده است.

اگر مهمترین دغدغه منکران حجاب یا تردید کنندگان در وجوب شرعی آن را این بدانیم که حکم حجاب را برای زنان و جامعه انسانی مفید و سازنده ارزیابی نکرده اند! در این صورت مهمترین رسالت پژوهشهای قرآنی، تبیین مبانی ارزشی حجاب و بیان فلسفه این حکم و مفید بودن امر حجاب برای جامعه زنان، بلکه کل جامعه انسانی است. چه این که باید این پژوهش را با تکیه بر متن وحی و تفسیر علمی و معتبر آن سامان داد و از واقعیت های عینی و تجربی نیز در ارائه شواهد بهره جست.

بخشی از این رسالت- اجمالاً- در مطایر مقالات این شماره دنبال شده است ولی موضوع نیازمند مطالعات فزونتر و پیگیری های علمی بیشتر است. بدان امید که اهل نظر گامهای بعدی را برداشته و با نقد و تحلیل مباحث ارائه شده، بر غنای بحث ها بیفزاید.